



# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (اسم اشاره + مفرد، مثنى و جمع)

هَذَا جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ صَوْرَةٌ جَمِيلَةٌ.



# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش اول)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

ارزش، قیمت	قِيَمَة:	دختر «جمع: بَنَات»	بِنْت:
مانند	ك:	آن «مؤنث»	تَلْكَ:
مانند درخت	كَالشَّجَرِ:	کوه	جَبَل:
بزرگ «جمع: كِبَار»	كَبِير:	زیبا	جَمِيل:
تابلو	لَوْحَة:	آن «مذکر»	ذَلِكَ:
زن	الْمَرْأَة (امْرَأَة):	مرد «جمع: رِجَال»	رَجُل:
همنشینی	مُجَالَسَة:	درخت «جمع: أَشْجَار»	شَجَر:
همنشینی با دانشمندان	مُجَالَسَة الْعُلَمَاء:	کلاس «جمع: صُوف»	صَف:
موفق، پیروز	نَاجِح:	عکس	صَوْرَة:
فراموشی	نَسِيَان:	دانش آموز، دانشجو	طَالِب:
پسر، فرزند	وَلَد:	«جمع: طُلَاب»	
«جمع: أَوْلَاد»		واجب دینی	فَرِيضَة:
این «مذکر»	هَذَا:	در، داخل	فِي:
این «مؤنث»	هَذِهِ:		



## قِيَمَةُ الْعِلْمِ

١. أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است

٢. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

خوبی پرسیدن نیمی از دانش است

٣. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

همنشینی با دانشمندان عبادت است

٤. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

جستن دانش واجب دینی است

٥. آفَةُ الْعِلْمِ النَّسْيَانُ!

آفت دانش فراموشی است

## هَذَا هَذِهِ ذَلِكَ تِلْكَ



دکتر آنا انصاری

هَذِهِ الْمَرْأَةُ، طَبِيبَةٌ.

هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.



پروفسور موسیوند

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.

هَذَا الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.

١. هر پنج حدیث از رسول الله ﷺ است.

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400



تِلْكَ الْمَرَأَةُ، شَاعِرَةٌ.  
تِلْكَ الشَّاعِرَةُ، بَرَوِينُ.



ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ.  
ذَلِكَ الشَّاعِرُ، سَعْدِيُّ.



شجرة أرسنجان

هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ.



هَذَا الصَّفُّ، كَبِيرٌ.



تِلْكَ اللُّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ.



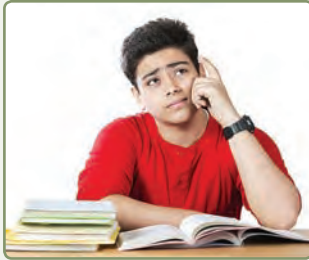
جبل جَم

ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفِعٌ.

۱. هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.

۲. علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبَةٌ.

اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب.



هَذَا طَالِبٌ.



هَذِهِ طَالِبَةٌ.

۳. «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره برای مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره برای مؤنث اند.

۴. اسم‌هایی مثل جَزِيرَةٌ و لَوْحَةٌ چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.

## برای مطالعه آزاد در منزل (حروف شمسی و قمری)

۱. اسم‌های حروف الفبا در عربی:

الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زاء - سین - شین -

صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری گاهی

تلفظ می‌شوند.

۱. از این بخش در هیچ آزمون و مسابقه‌ای سؤال طرح نمی‌شود.

۳. به تلفظِ «الْقَمَر» دَقْت کنید. لامِ ال در «الْقَمَر» خوانده می‌شود؛ اکنون به «الشَّمْس» دَقْت کنید؛ تلفظِ لامِ ال در آن سخت است؛ لذا خوانده نمی‌شود. چهارده حرف (خوف حق کجی بَأغ عمه = خوف حق کجی باغ عمه) را حروف قمری می‌نامند.

در تلفظِ کلماتِ دارای ال که با حرف قمری شروع می‌شوند، سختیِ تلفظِ وجود ندارد و لام به راحتی تلفظ می‌شود؛ مانند: الْوَلَدُ، الْعِلْمُ و الْمَدْرَسَةُ چهارده حرفِ مانده (ش ن ل ز ر د س ت ط ض ظ ث ص) را نیز حروف شمسی می‌نامند. در تلفظِ کلماتِ دارای ال که با حرف شمسی شروع می‌شوند، لام خوانده نمی‌شود و حرف شمسی تشدید می‌گیرد؛ مثال: الشَّجَرُ، النَّاجِحُ و الرَّجُلُ که أَشْجَرٌ، أَنْجِحُ و أَرْجُلٌ خوانده می‌شوند.

## الْتَّمَارِين

### ۱ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

این جمله‌ها را به فارسی ترجمه کنید؛ سپس زیر اسم‌های اشاره خط بکشید.

۱. ذَلِكِ الطَّالِبِ النَّاجِحِ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.

**آن دانش آموز موفق، در کلاس اول است**

۲. هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.

**این دانش آموز موفق، در کلاس اول است**

۳. هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.

**این پسر، در این مدرسه است**

٤. هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.

این دختر، در آن مدرسه است

٥. ثَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.

میوه این درخت بزرگ خوشمزه است

٢. اَلتَّمْرِينُ الثَّانِي:

نام هر تصویر را از کلمات داده شده بیابید.

جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَלَدٌ - بِنْتُ - صَفٌّ - فَرِيضَةٌ



سرو ابرکوه

تِلْكَ شَجَرَةٌ مُرْتَفِعَةٌ



هَذِهِ بِنْتُ نَاحِيَةٍ



هَذَا صَفٌّ جَمِيلٌ



ذَلِكَ جَبَلٌ كَبِيرٌ

# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش دوم)

المُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

ت، - تو برایت، به سوَدِ تو	لَكَ: لَكَ:	امنیت	أَمَان:
انسان، مرد	الْمَرْءُ (امراً):	چوب «جمع: أَحْشَاب»	حَشَب:
پنجره «جمع: نَوَافِذ»	نَافِذَةٌ:	بهتر، بهترین، خوبی بهتر است از	خَيْرٌ: خَيْرٌ مِنْ:
گُل	وَرْدَةٌ، وَرْدَةٌ:	روزگار	دَهْر:
ش، - او، - آن طلایش	هُ، هُ: ذَهَبِهِ:	طلا	ذَهَب:
این دو، اینها (اشاره به دو اسم مؤنث)	هَاتَانِ:	بر، روی	عَلَى:
این دو، اینها (اشاره به دو اسم مذکر)	هَذَانِ:	بر تو، به زیانِ تو	عَلَيْكَ:
ایشان، آن دو، آنان «مثنای مذکر و مثنای مؤنث»	هُمَا:	افتخار	فَخْر:
او «مذکر»	هُوَ:	صندلی «جمع: كِرَاسِي»	كُرْسِي:
او «مؤنث»	هِيَ:	سخن	كَلَام:
روز «جمع: أَيَّام»	يَوْم:	برای این کلاس دارد. (برای این کلاس هست.)	لِ: لِهَذَا الصَّفِّ:



## نور الگلام

۱. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصَّحَّةُ وَالأَمَانُ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

دو نعمت ناشناخته اند، سلامتی و امنیت

۲. رِضَا اللهُ فِي رِضَاِ الوَالِدَيْنِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

خوشنودی خداوند در خشنودی پدر و مادر است

۳. أَدَبُ المَرْءِ، حَيْرٌ مِنَ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

متانت (ادب) مرد، بهتر از طلای اوست

۴. أَلدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الإمام عليّ عليه السلام

روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان تو

## هاتان

## هُدَانِ



هَاتَانِ بِنْتَانِ.

هَاتَانِ البِنْتَانِ، نَظِيفَتَانِ.  
هُمَا سَعِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ.



هُدَانِ وَوَلَدَانِ.

هُدَانِ الوَلَدَانِ، نَظِيفَانِ.  
هُمَا سَعِيدٌ وَ حَمِيدٌ.



هاتانِ وَرَدَتانِ.  
هاتانِ الْوَرَدَتانِ، جَمِيلَتانِ.



هُذانِ كُرْسِيانِ.  
هُذانِ الْكُرْسِيانِ، حَشَبِيانِ.

۱. اسم مثنی دو علامت دارد: «انِ» و «یَنِ»؛ مانند:

طالِبانِ، طالِبَینِ، طالِبَتانِ و طالِبَتَینِ

۲. «هُذانِ» اسم اشاره برای مثنای مذکر و «هاتانِ» اسم اشاره برای مثنای مؤنث هستند.

### یک نکته

اسم این علامت‌ها را به خاطر بسپارید.

فتحه - کسره - ضمّه - سکون - تنوین

جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید؛ سپس جمله‌ها را ترجمه کنید.

(وَلَدٌ - بِنْتٌ - بِنْتَانِ)



هاتان، **بِنْتَانِ**، مَحَجَّبَاتَانِ.

هُمَا فَرِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ.

این دو دختر با حجاب هستند

آنها فریده و حمیده هستند



هذه، **بِنْتٌ** مَحَجَّبَةٌ.

هِيَ سَعِيدَةٌ.

این دختر باحجاب است

او سعیده است

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400



هذا، **وَلَدٌ**، مُؤَدَّبٌ.

هُوَ سَعِيدٌ.

او، پسری مؤدب است.

او سعید است



هذان، **وَلَدَانِ**، مُؤَدَّبَانِ.

هُمَا فَرِيدٌ وَ حَمِيدٌ.

اینها، دو پسر مؤدب هستند

آنها، فرید و حمید هستند

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

## ۲ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی گزینه مناسب به کار ببرید.

۱. هَاتَانِ .....، مَسْرُورَتَانِ.  الرَّجُلُ  الْمَرْأَتَانِ
۲. ..... الْجَزِيرَةُ، مَجْهُولَةٌ.  ذَلِكَ  تِلْكَ
۳. هُذَانِ .....، مُرْتَفَعَانِ.  الْجَبَلَانِ  الْوَرْدَةُ
۴. ..... النَّافِذَةُ، خَشْبِيَّةٌ.  هَذَا  هَذِهِ
۵. ذَلِكَ .....، نَظِيفٌ.  الطَّالِبَةُ  الطَّالِبُ
۶. هَذِهِ .....، كَبِيرَةٌ.  الْمَدْرَسَةُ  الْمَسْجِدَانِ

## ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

ترجمه کنید.

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

۱. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ.

ارزش انسان، به دانش و ایمان است

۲. لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.

این کلاس دو پنجره زیبا دارد

۳. أَلْوَلَدُ الصَّالِحِ، فَخْرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.

فرزند درستکار افتخار پدر و مادر است

۴. كَلَامُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الذَّهَبِ.

سخن پدر و مادر از طلاست

۵. هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ، بِلَا ثَمَرٍ.

این درختان، بدون میوه هستند

۶. هُذَانِ الصَّقَّانِ، كَبِيرَانِ.

این کلاس ها، بزرگ هستند

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

# الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش سوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۶ کلمه)

فَائِز:	بَرَنده	أَحْيَاء:	زندگان «مفرد: حَيٍّ»
فَلَّاح:	کشاورز	أَنْتُمْ:	شما «جمع مذکر»
كَنْز:	گنج «جمع: كُنُوز»	أَوْسَط:	میان‌ترین میان‌ترین آن
لَاعِب:	بازیکن	أَوْلِيَاكَ:	آنان، آن
مِفْتَاح:	کلید «جمع: مَفَاتِيح»	جَالِس:	نشسته
مَكْتَبَة:	کتابخانه	حَجَر:	سنگ «جمع: أَحْجَار»
مَوْت:	مرگ	حَدِيقَة:	باغ «جمع: حَدَائِق»
نَحْنُ:	ما	سَبْعِينَ:	هفتاد
واقِف:	ایستاده	سَنَة:	سال «جمع: سَنَوَات»
ها:	ش، ـ او، ـ آن میان‌ترین آن	صَدَاقَة:	دوستی
هُؤُلَاءِ:	اینان، اینها، این	صِغَر:	خُردسالی، کوچکی
هُم:	ایشان، آنان «جمع مذکر»	عَدَاوَة:	دشمنی کردن
هُنَّ:	ایشان، آنان «جمع مؤنث»	عِنْد:	نزد، کنار

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

## گَنْزُ الْكُنُوزِ

۱. تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است

۲. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دشمنی دانا بهتر از دوستی نادان است

۳. أَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش در خردسالی مانند نقشی بر سنگ است

۴. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها میانه ترین آنهاست

۵. أَلْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حِكْمَةٌ

نادانی مرگ زندگان است

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

## أَوْلِيكَ

## هُؤُلَاءِ



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدَاتٌ.  
أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتٌ.  
هُنَّ نَاجِحَاتٌ.



أَوْلِيكَ، مُجَاهِدُونَ.  
أَوْلِيكَ الْمُجَاهِدُونَ، صَابِرُونَ.  
هُم نَاجِحُونَ.



هُؤْلَاءِ، إِيْرَانِيَّاتٍ.  
هَذِهِ، صَوْرَةُ اللَّاعِبَاتِ الْإِيْرَانِيَّاتِ.  
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبَاتِ، فَائِزَاتٌ.



هُؤْلَاءِ، إِيْرَانِيَّوْنَ.  
هَذِهِ، صَوْرَةُ اللَّاعِبِيْنَ الْإِيْرَانِيَّيْنَ.  
هُؤْلَاءِ اللَّاعِبُوْنَ، فَائِزُوْنَ.

۱. «هُؤْلَاءِ» و «أَوْلِيَّكَ» در اشاره به جمع مذکر و مؤنث مشترک هستند.
۲. اسم مذکر با «وَنَ» یا «يِنَ» جمع بسته و «جمع مذکر سالم» نامیده می‌شود؛  
مثال: مُعَلِّمُوْنَ، مُعَلِّمِيْنَ
۳. اسم مؤنث با «ات» جمع بسته و «جمع مؤنث سالم» نامیده می‌شود؛ مثال:  
مُعَلِّمَات
۴. جمع برخی اسم‌ها، «مکسر» یعنی شکسته است.  
در این جمع شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند؛ مثال:  
حَدِيْقَةٌ: حَدَائِقُ      مِفْتَاحٌ: مَفَاتِيحُ      طِفْلٌ: أَطْفَالٌ      عِبْرَةٌ: عِبَرٌ

## الْتَّمَارِين

### ١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400  
ترجمه کنید، سپس «جمع‌های سالم و مکسر» و نیز «مثنی» را معلوم کنید.

١. هُوَلاءِ الطُّلابِ، فائِزُونَ فِي مُسَابَقَتَيْنِ: مُسَابَقَةِ الْحِفْظِ وَ مُسَابَقَةِ الْقِرَاءَةِ.

آن دانش آموزان، برنده در دو مسابقه اند: مسابقه حفظ و مسابقه قرائت

٢. هُوَلاءِ الطُّالِبَاتِ، نَاجِحَاتٌ فِي مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ.

آن دانش آموزان، در مسابقه حفظ قرآن موفقند

٣. فِي كُتُبِ الْقِصَصِ، عَبَّرَ لِلْأَطْفَالِ وَ الْكِبَارِ.

در کتابهای داستان، عبرت های است برای کودکان و بزرگ سالان

٤. أَوْلِيكَ الرَّجَالِ، جَالِسُونَ عَلَى الْكُرَاسِيِّ.

آن مردان، نشسته اند بر صندلی ها

### ٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید؛ سپس جمله ها را ترجمه کنید.

(یک کلمه اضافه است.) لَاعِبَةٌ - مَكْتَبَةٌ - كُرْسِيٌّ - كَنْزٌ - وَرْدَةٌ



هَذَا، كَنْزٌ ذَهَبِيٌّ.



هَذِهِ، مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ.





هَذِهِ، وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ.



هَذِهِ، لَاعِبَةٌ نَاجِحَةٌ.

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

تهیه  
شده  
توسط  
سرگروه  
عربی  
بندر  
ماهشهر  
شهریور  
1400

- |  |   |
|--|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> فَائِزَاتِنِ | <input type="checkbox"/> فَائِزَانِ             |
| <input type="checkbox"/> جَالِسٌ                 | <input checked="" type="checkbox"/> جَالِسَةٌ   |
| <input checked="" type="checkbox"/> وَاقِفَاتٌ   | <input type="checkbox"/> وَاقِفٌ                |
| <input type="checkbox"/> مَسْرُورَانِ            | <input checked="" type="checkbox"/> مَسْرُورَةٌ |
| <input type="checkbox"/> لَاعِبَاتٌ              | <input checked="" type="checkbox"/> لَاعِبُونَ  |
| <input checked="" type="checkbox"/> هَالِبَاتٌ   | <input type="checkbox"/> هَالِبَةٌ              |
| <input type="checkbox"/> فَلَاحَاتٌ              | <input checked="" type="checkbox"/> فَلَاحُونَ  |

۱. هَاتَانِ الْبِنْتَانِ ..... فِي الْمُسَابَقَةِ.
۲. تِلْكَ الْمَرْأَةُ ..... عَلَى الْكُرْسِيِّ.
۳. زَهْرَاءُ وَ زَيْنَبُ وَ فَاطِمَةٌ، .....
۴. عَبَّاسٌ وَ هَاشِمٌ وَ مَيْثَمٌ، .....
۵. أَوْلَادُكَ الْوَالِدِ، ..... مُمْتَازُونَ.
۶. نَحْنُ ..... الْمَدْرَسَةِ.
۷. أَنْتُمْ ..... نَاجِحُونَ.

تهیه شده توسط سرگروه عربی شهرستان بندر ماهشهر شهریور 1400



## نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الْأَوَّلِ

نگاهی به درس اول - اسم مفرد، مثنی و جمع

مثال	نشانه	عدد و جنس
حَافِظ	ندارد	
حَافِظَةٌ	ة	
حَافِظَانِ و حَافِظَيْنِ حَافِظَاتَانِ و حَافِظَاتَيْنِ	انِ و -ینِ	 
حَافِظُونَ، حَافِظِينَ	ونَ و ینَ	
حَافِظَات	ات	
حُفَّاط	ندارد	

اسم اشاره

	ذَلِكَ			هَذَا	
آن	تِلْكَ		این	هَـٰذِهِ	
	أُولَئِكَ			هَـٰؤُلَاءِ	  
	أَنهَآ		اینها	هَاتَانِ	هُؤُلَاءِ

